

واکاوی رویکرد دینی و نمادگرایی عرفانی در رمان

«جبل قاف» عبد الإله بنعرفة

نوع مقاله: پژوهشی

جمال طالبی قره‌قشلاقی

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

چکیده

از آغاز هزاره‌ی سوم میلادی، رمان‌نویسان مغرب عربی در راستای هویت‌بخشی به رمان معاصر و گسستن زنجیرهای تقلید از غرب، قدم در وادی سنت دینی گذاشته، و آثار ارزشمندی با صبغه عرفانی خلق نموده‌اند. در این بین، تجربه عبد الإله بنعرفة به جهت پیشگام بودن، الهام‌پذیری از مؤلفه‌های دینی، و ارائه آثار متعدد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رمان «جبل قاف» از مهم‌ترین تجربه‌های عرفانی بنعرفة است که به سیره‌نگاری ابن عربی اندکی قبل از تولد در سال ۵۶۱ هجری در شهر مرسیه تا وفات وی در سال ۶۳۸ و خاک‌سپاری در دامنه کوه قاسیون دمشق پرداخته است. جستار حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی به خوانش رویکرد دینی و نمادپردازی عرفانی در این رمان پرداخته است. از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش این است که بینامتنی رمان با بسیاری از آیات قرآن که در راستای ایده مرکزی داستان است، صبغه دینی و عرفانی آن را تقویت نموده است. عبد الإله بنعرفة با تلفیق خیال با واقعیت، اندیشه دینی ابن عربی از جمله وحدت وجود و انسان کامل را در قالب نمادین اعداد و رنگ‌ها و معماری ابنیه و اشکال هندسی به تصویر کشیده است که تأویل همه آن‌ها دایر بر اندیشه وحدت وجود و انسان کامل ابن عربی است. تمرکز بر مقامات صوفیان و ظهور کرامت‌های عرفانی در بسیاری از صحنه‌های رمان، صبغه‌ی عرفانی خاصی بدان بخشیده است.

کلیدواژه‌ها: داستان معاصر، عرفان، عبد الإله بنعرفة، رمان جبل قاف

۱. مقدمه

رمان معاصر عرب طی چندین دهه‌ی قرن گذشته دنباله‌روی همتای غربی خود بوده، و تعداد کمی از رمان‌نویسان عرب در آثار خود نوآوری داشته‌اند. رمان‌نویسان عرب با درک واقعیت‌های جوامع خود و با ایمان به اینکه ژانر داستانی باید منعکس‌کننده دردها و نیازهای ملت‌های خویش باشد، به تقلید از غرب خاتمه داده، و در کمتر از یک قرن به وجود مستقل خود عینیت بخشیدند. توقف دنباله‌روی از داستان‌نویسان غرب و بازآفرینی میراث گذشتگان در ساختاری نو، هویت تازه‌ای به رمان معاصر عربی داد، و سهم مغرب عربی در این امر چشمگیر بود. ذکر دو نکته در این مجال ضرورت دارد: اول اینکه، مشرق عربی در سده‌های گذشته پیشگام و الهام‌بخش مغرب عربی در فنون ادبی بوده است. لیکن رمان‌نویسان مغرب عربی در راستای نوگرایی و غنای تجربه روایی، با الهام‌پذیری از میراث گهربار اسلامی، شکل جدیدی از رمان را پایه‌ریزی نموده و گوی سبقت را از مشرق عربی ربودند که از آن با عناوین مختلفی همچون رمان عرفانی، رمان صوفیانه و تخیل تاریخی یاد شده است. و این بدان معنی نیست که رمان عرفانی در مشرق عربی پدیده‌ی ناشناخته‌ای بوده و هست. بلکه منظور این است که از لحاظ غنا و کیفیت در سطح پایین‌تری نسبت به همتای مغربی خود قرار دارد. دوم اینکه، جهان تصوّف و عرفان، حوزه‌ی پویایی است که رمان‌نویسان مغرب عربی به ویژه مراکش و الجزائر برای به تصویر کشیدن پیوند ادبیات با دین پیشگام این حوزه شدند، و این، در آثار عبد الإله بنعرفه مراکشی از جمله رمان «جبل قاف» به خوبی نمود یافت، و او توانست با تصویرپردازی زیبا و بهره‌گیری از نمادهای عرفانی و صوفیانه به سیره‌نگاری ابن عربی عارف و صوفی مشهور جهان اسلام بپردازد. جستار حاضر با روش توصیفی تحلیلی به دنبال بررسی رویکرد دینی و نمادگرایی عرفانی در این رمان بوده، و تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- اندیشه دینی و عرفانی ابن عربی در قالب چه مؤلفه‌هایی در رمان «جبل قاف» متجلی

شده است؟

- نمادهای عرفانی به کار رفته در رمان «جبل قاف» چه کارکردی دارند؟

- کرامت‌های صوفیانه و مقامات عارفان چه نمودی در این رمان دارد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

درباره رمان عرفانی به ویژه جبل قاف پژوهش‌های مستقلی صورت نگرفته است. در آنچه می‌آید اشارات گذرایی به این مقوله شده است:

- رابی محمد شیهو (۲۰۱۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آل البیت اردن با عنوان «روایة السیرة الغیریة بین الواقع والمتخیل: روایة جبل قاف لعبد الإله بنعرفة أنموذجاً» به بررسی فرایند تبدیل سیره‌نویسی از متن تاریخی به ادبی پرداخته است.

- زینب صابرپرور و داوود شادلو (۱۳۹۴) در جستاری به بررسی «جریان دینی در رمان فارسی پس از انقلاب اسلامی» پرداخته‌اند. این پژوهش در شماره ۳۷ فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی چاپ شده است.

- جهانگیر صفری و ابراهیم ظاهری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان عرفان در رمان جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان» به بررسی سه گفتمان سنتی، مدرن و نیمه‌سنتی در این اثر سیمین دانشور پرداخته‌اند. این پژوهش در شماره اول پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت منتشر شده است.

- عبدالستار الحاج حامد (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «ابن عربی فی الروایتین العربیة والتركیة: دراسة مقارنة بین روایتی جبل قاف وزدیار الأندلسی» به بررسی شخصیت ابن عربی در این دو رمان پرداخته است. نویسنده در پایان به این نتیجه رسیده است که اختلاف شخصیت ابن عربی در این دو رمان ناشی از زاویه نگاه نویسندگان و اهداف بازآفرینی بوده است.

- ذباح جمال و فاتح علاق (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «الروایة العرفانیة عند عبد الإله بنعرفة مشروعیة الوجود» به بررسی جایگاه عبدالإله بنعرفة در رمان عرفانی معاصر پرداخته‌اند. مقاله مذکور در شماره ۳ مجله «إشکالات فی اللغة والأدب» چاپ شده است.

- لبني الرامي (۲۰۲۱) در رساله دکتری خود با عنوان «التخییل التاريخي فی روایة جبل قاف» در دانشگاه الحسین الثانی مراکش به بررسی خیال‌پردازی تاریخی در این رمان پرداخته است.

همچنان که از رویکرد این پژوهش‌ها پیداست در هیچ کدام، مقوله‌های مورد بحث در پژوهش حاضر مورد توجه قرار نگرفته است، و تنها در مقاله ذباح جمال به جایگاه بنعرفة در رمان عرفانی پرداخته شده است.

۲. خاستگاه رمان عرفانی و مؤلفه‌های آن در اندیشه بن‌عرفه

رمان عرفانی با ایجاد پیوندی دوباره با تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، در صدد بازآفرینی سنت غنی پیشینیان در ساختار روایی مستقل، با باز تعریف مؤلفه‌های معنوی و زیباشناختی است. خاستگاه این نوع رمان را باید در قرآن و تفکرات عارفان گذشته تاریخ اسلام جستجو کرد. لازم به ذکر است که رمان عرفانی به دنبال تقلید از گذشتگان نیست، بلکه دنبال بازخوانی میراث فکری، فرهنگی و ادبی پرفروغ آنان در فرمی جدید، و ترمیم رابطه گسیخته‌ی انسان معاصر با آن است. انسان معاصر نیاز مبرمی به عرفان اسلامی دارد؛ زیرا انسان، دین را از رسالت واقعی خود، که رهنمون ساختن او به شناخت واقعی فلسفه‌ی هستی بوده، دور ساخته است. از سوی دیگر، ارزش‌های مادی بر زندگی انسانی غالب گشته، و بسیاری از مردم دین را ابزاری برای گرایش‌ها و تمایلات دنیوی خود درآورده‌اند. لذا «پژوهش در ادبیات عرب تنها با گرایش به سنت عرفانی و صوفیانه به اوج تکامل خواهد رسید، و بحث پیرامون ریشه‌های داستان و رمان عربی نباید محدود به بررسی مقامه، منامه و سیر و ملاحم گردد، و باید میراث تصوف همچون داستان‌های مربوط به کرامات را نیز در بر بگیرد» (فضل، ۱۹۸۷: ۴۰). بازآفرینی میراث گذشتگان در رمان معاصر را باید در علل زیر جستجو کرد: اولاً، بخشی از میراث دینی، داستانی بوده، و لازمه اصالت بخشی به رمان عربی، بازگشت به میراث روایی دینی است. دوم اینکه، دین وجه غالب بر جوامع عربی است. لذا هرگونه پرداختن به میراث مذکور، در واقع پرداختن به واقعیات جامعه عربی است (وتار، ۲۰۰۲: ۱۳۹). حال این سؤال پیش می‌آید که رمان عرفانی چه تفاوتی با رمان تاریخی دارد؟ باید گفت تفکیک این دو از هم کار سختی است. از لحاظ موضوعی می‌توان رمان عرفانی را در حوزه‌ی رمان تاریخی گنجانند؛ زیرا هر یک، از منابع و مراجع تاریخی به عنوان سند و چارچوبی کلی بهره می‌برند. اما از لحاظ ساختار، اهداف و نوع محتوا با هم تفاوت دارند. «داستان‌نویس واقعی کسی است که حوادث تاریخ را از چارچوب گذشته خود بیرون کشیده، و روح تازه‌ای در آن بدمد و بر استمرار نتایج آن تأکید کند» (بن‌عرفه، ۲۰۱۴: ۱۵). از سوی دیگر برای اینکه بتوان عنوان رمان عرفانی را بر داستانی نهاد، و آن را از رمان تاریخی متمایز نمود، باید مؤلفه‌های زیر را در او جستجو کرد: «روایت کننده تجربه عرفانی یکی از شیوخ تصوف به منظور ارشاد سالکان این طریق باشد. متن روایی مشتمل بر مضامین اخلاقی، و در جستجوی ذات مطلق الهی با زبانی نمادین و سمبولیک باشد.

به کرامات و رؤیاهای صادقانه و کشف و شهودهای عرفانی اشاره داشته باشد» (ستار، ۲۰۰۳: ۴۰). رمان عرفانی در تفکر بنعرفه مبتنی بر دو مفهوم است: اولاً، نوشتن با واژگان نورانی با گذر از عالم واقع و قدم نهادن در دنیای تخیل خلاق، و الهام‌پذیری از قرآن و رموز نهفته در حروف آن، به گونه‌ای که متن رمان را به ساحل غیرقابل‌انتظاری برای ذات تشنه‌ی انسان تبدیل می‌کند. ثانیاً مفهوم عصر حاضر که گذشته و آینده را نیز در بر می‌گیرد. بر این اساس، او حوادثی را که در گذر زمان به وقوع پیوسته است بازخوانی می‌کند و رمان عرفانی را از گنجانده شدن در چارچوب رمان تاریخی دور می‌سازد. اگر چه سلطه روایت با افعال گذشته و رعایت تسلسل زمانی حوادث در آن نیز ملحوظ است (ر.ک: الوارای، ۲۰۱۵: ۱۰). این رویکرد بنعرفه به رمان عرفانی، جایگاه او را از دیگران متمایز ساخته است.

۳. خلاصه رمان «جبل قاف»

درون‌مایه‌ی اصلی رمان از آغاز تا پایان سیره‌نگاری ابن عربی است و بنعرفه زندگی و تجربه عرفانی وی را از زبان قهرمان داستان (ابن عربی) و با ضمیر متکلم به تصویر کشیده است. این رمان از ۶۱ بخش تشکیل شده، و بنعرفه برای هر یک عنوان خاصی متناسب با تحولات زندگی ابن عربی برگزیده است. حوادث رمان از منظر زمانی از رمضان سال ۵۶۰ هجری قمری و اندکی قبل از ولادت ابن عربی از زنی پارسا و پاکدامن به نام «نور» در شهر مرسیه آغاز می‌گردد، و نویسنده اوضاع نابسامان شهر مرسیه اندلس را در زمان فرمانروایی امیر «ابن مردنیش» به تصویر می‌کشد. ابن عربی در این شرایط بحرانی متولد می‌شود. اما خیلی زود و پس از اتمام حکومت ابن مردنیش به اشبیلیه مهاجرت کرده و مدتی را در آنجا سپری می‌کند. زندگی ابن عربی در اشبیلیه فراز و فرودهای زیادی را به خود می‌بیند، و او به تحصیل علوم قرآن، فقه و حدیث، اصول و توحید، تفسیر و نحو عربی پرداخته، و در زمانی کوتاه قرآن را حفظ می‌کند. سپس در حالیکه نوجوانی بیش نبود، با ابن رشد که از دوستان پدرش بود ملاقات می‌کند. پس از فوت پدر و مادرش، اشتیاق عجیبی در دل ابن عربی برای سفر به مشرق زمین به ویژه مکه و انجام فریضه حج بوجود می‌آید، و این، تأثیر شگرفی در دل و جان او بر جای می‌گذارد، و به نقطه‌ی آغازین سفرهای ابن عربی و دیدار با بزرگان و... تبدیل

می‌شود. حوادث رمان در نهایت با فوت ابن عربی در سال ۶۳۸ قمری و خاک‌سپاری او در دامنه کوه قاسیون دمشق به پایان می‌رسد.

۴. معناشناسی عنوان در رمان «جبل قاف»

معناشناسی ابزاری برای گشودن پیچیدگی‌های موجود در عنوان آثار ادبی است که می‌توان به دنبال آن به رابطه بین عنوان و آثار ادبی پی برد (ر.ک: بلاوی و دیگران، ۱۳۹۸ش: ۶۸). کوه قاف به عنوان یکی از اساطیر عربی برجستگی خاصی در عرفان اسلامی داشته، و در متون تفسیری و روایی نیز به چشم می‌خورد. مراد از قاف «کوهی از جنس زمرد است که محیط به دنیاست و رنگ آسمان، بازتاب رنگ آن است... کوه قاف به عنوان نمادی از یک حقیقت و یا موجودی آرمانی در عالم مثل همواره در عرفان مطرح است» (جلالی و رضاداد، ۱۳۸۶ش: ۱۲) که می‌توان از آن به عنوان مرحله، مرتبه، حال و مقام نیز تعبیر کرد، که بنعرفه آن را به عنوان «نماد علامت‌های الهی گرفته است که به انسان‌های فرو رونده در معرفت باری تعالی عطا می‌شود» (عبداله، ۲۰۲۰م: ۱۵۲). به نظر می‌رسد بنعرفه همین مفهوم را به شکل هدفمندی از کتاب فتوحات مکیه گرفته، و به نقل قول ابن عربی از رفیق موسی السردانی اشاره دارد که: «وقتی به کوه بلند قاف - که خداوند با آن زمین را احاطه کرده، و با مار بزرگی که با حلقه زدن دور این کوه، سرش را به دمش وصل کرده است - رسیدم .. موسی شگفت‌زده از خلقت خداوند گفت...» (ابن عربی، ج ۵: ۱۹۲). واضح است وقتی مار دور کوه قاف حلقه می‌زند و سر او به دمش می‌چسبد، کوه به شکل دایره در می‌آید. و دایره تنها شکل هندسی است که می‌توان در آن با حرکتی بی‌پایان به نقطه آغازین یا همان تولد بازگشت. و این همان ساختار دایره‌ای اندیشه ابن عربی است که معتقد است عالم هستی مانند هر دایره مرکز و محیطی دارد، و هر نقطه از محیط، همزمان هم نقطه آغاز است و هم نقطه پایان. هر موجودی پس از تولد حرکت دایره‌ای خود را شروع نموده، و در نهایت به نقطه آغازین خود بر می‌گردد، و این مفهوم برخی آیات قرآنی از جمله ﴿وَالَّذِي يُرْجَعُ الْأُمُورَ كُلُّهُ﴾ (هود: ۱۲۳) و ﴿وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (لقمان: ۲۲) و ﴿وَالَّذِي يُرْجَعُونَ﴾ (یس: ۸۳) است. تصور دایره‌ای هستی در ساختار روایی رمان نیز نمود یافته است، به گونه‌ای که بافت حوادث از نقطه‌ی فوت عارفی به نام محیی الدین (عبدالقادر گیلانی) و ولادت عارفی دیگر به نام محیی الدین (ابن عربی) آغاز می‌گردد.

۵. مؤلفه‌های عرفانی در رمان «جبل قاف»

با مطالعه رمان «جبل قاف» خواننده با ساختارها و موضوعات عرفانی متعددی روبرو می‌شود:

۱-۵. بینامتنی با آیات قرآن و ادعیه دینی

عبد الإله بنعرفه در جریان روایت سیره ابن عربی، بسیار از آیات قرآن در جایگاه متن غایب بهره می‌گیرد، و خواننده در جای جای رمان با آیات قرآنی و ادعیه دینی روبرو می‌شود. در بخشی از قاف مرسیه، مادر ابن عربی اندکی قبل از تولد او از همسرش می‌خواهد ظرف تازه‌ای بیاورد و عبارت «لا إله إلا الله الحليم الكريم سبحان رب السماوات السبع ورب العرش العظيم» که مقطعی از دعای فرج است، و نیز آیه ۴۶ سوره نازعات ﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوُهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ را بر روی آن حک کند تا از آن آب خورده و صورتش را بشوید (بنعرفه، ۲۰۰۲: ۱۰). تولد ابن عربی نیز در ماه رمضان اتفاق افتاد، و پدر وی با زبان روزه منتظر ولادت ایشان بود، و دعای لحظه افطار ورد زبانش: «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَ عَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ ذَهَبَ الظَّمَأُ وَ ابْتَلَّتْ العُرُوقُ وَ ثَبَتَ الأَجْرُ إِنْ شَاءَ اللهُ» (همان: ۱۱). آنچه گذشت نمونه‌ای از صدها آیه قرآنی و ادعیه دینی است که بنعرفه بدان استشهاد کرده است. آیات قرآنی و ادعیه به کار رفته در رمان در راستای غرض اصلی داستان بوده، و نقش مهمی در شکل‌گیری سیاق ایفا نموده، و این پرسش رولان بارت را به ذهن متبادر می‌کند که متن چیست؟ او شکل‌گیری متن از واژگان پراکنده و غیر مرتبط با یکدیگر را نفی کرده و می‌گوید: «متن بافت برگرفته از مصادر فرهنگی متعددی است» (بارت، ۱۹۹۳: ۲۸) لذا کاربست این آیات و ادعیه در رمان، بسان کدهای معرفتی هستند که حقایق را آشکار می‌سازند. از سوی دیگر، اکثریت قریب به اتفاق آیات قرآنی به کار رفته در رمان، در راستای تفکر دینی، معرفتی و هستی‌شناسی «قاف» بوده، و ناظر بر اندیشه‌ی وحدت وجود و انسان کامل ابن عربی است.

۲-۵. بیت المقدس و اقامه نماز جهانی منجی در آن

بنعرفه در بخش «برد یقین قاف» می‌گوید: «سرانجام به بیت المقدس رسیدیم. از باب العمود وارد شدیم. شهر با برج و باروهای زیبایی مستحکم شده بود. اولین کار ما حرکت به سمت مسجدالأقصى بود. ابتدا از گنبد صخره‌ی مقدس وارد شدیم که به شکل هشت ضلعی منتظم

بوده و چهار درب بزرگ داشت. گنبد چهل ستون از جنس مرمر داشت، و روی دایره بیرونی گنبد صخره، تا آیه ۳۳ سوره یس ﴿وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ﴾ نوشته شده است. اما مسجد الأقصی نیز در اوج معماری بود و محرابش در کمال زیبایی بود جایی که مهدی (عجل الله تعالی) در آن نماز خواهد خواند و عیسی (ع) به او اقتدا خواهد کرد» (همان: ۱۷۱). از آنچه گذشت می‌توان به اندیشه جهان‌شمول و فرادینی بودن ظهور حضرت مهدی (ع) از منظر راوی اشاره کرد، و اینکه بیت‌المقدس به عنوان مسجدی وحدت‌آفرین برای بشریت و به ویژه اسلام و مسیحیت خواهد بود، و این همان وحدت اندیشه دینی است.

۳-۵. تجلی کرامت‌های عرفانی

یکی از محورهای عرفانی مهم در این رمان، پرداختن فراوان به مسئله کرامات عرفانی است. کرامات به عنوان یک تجربه عرفانی از دایره علت و معلول خارج بوده، و «به عنوان عملی فرازمانی، فرامکانی و فرازبانی دارای اهمیت بسیارند... نظام علت و معلول را در هم می‌شکنند» (شهبازی و دیگران، ۱۳۸۷ش: ۹-۱۰). از سوی دیگر باید توجه داشت که «کرامات گاه خارج از دایره تجربیات حسی است، اغلب رنگی از تخیل به خود می‌گیرند و طبیعی است آن چه با تخیل در می‌آمیزد، شناختش به طریق علمی دشوار، و بیانش نیز به همان اندازه با اشکالاتی همراه می‌گردد» (پورنامداریان، ۱۳۹۱ش: ۳۵). ظهور کرامات در «جبل قاف» را می‌توان لحظاتی قبل از تولد ابن عربی رصد نمود که به گفته قابله‌ی «نور» دردهای آغازین وضع حمل را احساس نمی‌کند: پدر ابن عربی «به سرعت از مسجد خارج شد. مسرور (خدمتکار) به استقبال او آمد و نزدیک بودن وضع حمل همسرش را اطلاع داد و اینکه او همانند زنان دیگر درد زایمان ندارد» (بنعرفه: ۱۴). از سوی دیگر ولادت ابن عربی در ماه رمضان که به تعبیر پدرش «شریف‌ترین و گرامی‌ترین ماه‌هاست» اتفاق افتاد؛ زمانی که امام جماعت مسجد در نماز تراویح، شریف‌ترین سوره قرآن را تلاوت می‌کرد: ﴿طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَىٰ إِلَّا تَذَكُّرًا لِّمَنْ يُحْشَىٰ تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَىٰ﴾ (همان: ص ۱۴). عبد الإله بنعرفه لحظه ولادت ابن عربی را نیز به گونه‌ای با لحظه تولد عیسی مسیح بازآفرینی کرده است: «ای نور! چقدر شبیه حنه مادر مسیح علیه‌السلام هستی آنگاه که عیسی او را آرام کرد: ﴿فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا نَحْنُ بِقَدْ جَعَلْنَاكِ رَبًّا سَرِيًّا وَهَؤُلَاءِ بِإِنِّكَ بِبَدْعِ النَّحْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا حَبِيًّا﴾ (همان: ۱۱). نور در تصاویر گذشته که در بحث بینامتنی بدان اشاره شد از ظرف منقش به آیات و ادعیه آب خورد، لذا پدر ابن عربی خطاب به

او می‌گوید: «اینک که آب خوردی، باید کمی هم رطب میل کنی» (همان: ۱۱). عدم احساس درد حاملگی، و خوردن آب و رطب به نوعی بازآفرینی ولادت پیامبر اسلام (ص) و حضرت عیسی (ع) است. بر اساس نقل‌هایی که از آمنه (س) وجود دارد، ایشان دردهای دوران حامله بودن به پیامبر (ص) را احساس نکرد: «زمانی که به او (پیامبر اسلام) حامله شدم اصلاً احساس نکردم و در دوران حاملگی اثر سنگینی حمل که بر حسب عادت به زنان دست می‌دهد به من دست نداد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ هـ: ۱۹۶). در داستان تولد حضرت عیسی (ع) نیز به آب و رطب خوردن حضرت مریم (س) در زمان تولد وی اشاره شده است. ضمن اینکه نخل در این جا از یک پیشینه نمادین دینی نیز برخوردار است.

سال ۵۷۱ طاعون شدیدی اندلس و شهرهای مغرب عربی را فرا می‌گیرد. به دنبال آن، ابن عربی خردسال دچار تب شدیدی می‌شود، و خوابی می‌بیند که نقطه عطف حوادث و سرآغاز طرح داستان را تشکیل می‌دهد که به نوعی نشان‌دهنده کرامات عرفانی او است: «در سومین روز تب، به نوعی شبه بیهوشی دچار شدم تا جایی که خانواده‌ام گمان کردند مرده‌ام. در عالم بیهوشی مردمان بد قیافه‌ای را دیدم که مرگ مرا می‌خواستند. شخص بسیار زیباروی و معطری را نیز دیدم که از من دفاع می‌کرد تا اینکه بر آنان چیره شد. از او پرسیدم: کیستی؟ در پاسخ گفت: سوره «یس» هستم که از تو دفاع می‌کنم. به هوش آمدم و پدر را دیدم که گریان بالای سرم ایستاده و سوره یس را قرائت می‌کند. پس از ختم سوره، آنچه را که دیده بودم به او گفتم. پس از آن حال کم‌کم بهتر شد و دوران نقاهتم شروع شد...» (بنعرفه: ۶۹). به نظر می‌رسد کثرت کرامات در «جبل قاف» می‌تواند به دو دلیل باشد: اول اینکه راوی در صدد خلق فضای عرفانی بوده، و با تلفیق خیال و واقعیت به کارکرد نمادین کرامت عینیت بخشیده است، و دوم اینکه در صدد رفع شبهات پیرامون شخصیت ابن عربی برآمده است.

۴-۵. تجلی مقام صوفیان

خواننده رمان با صحنه‌های زیادی مواجه می‌شود که در آن به رگه‌هایی از مقامات صوفیان اشاره شده است. مقام زهد اولین مرتبه‌ای است که شیوخ صوفیه به مریدان خود سفارش می‌کنند. زهد نسبت به زنان نمونه‌ای از این مرتبه است، که ابن عربی خطاب به مادرش می‌گوید: «یا أمّی! إنَّكَ تعلمین أئی زاهد فی النساء، ولیس ذلك رغبة عن السنة النبویة، وإنما أنا رجل اخترت الآخرة علی الدنيا فأخاف أن یشغلننی عمّا أنا فیه: مادر جان! می‌دانی که من رغبتی به ازدواج ندارم و

این امتناع از سنت پیامبر نیست. من آخرت را بر دنیا ترجیح می‌دهم، و بیم آن دارم که زنان مرا از آن بازدارند» (بنعرفه، ۱۲۱). شاهد دیگر بر زهد ابن عربی کنار گذاشتن منصب نویسندگی در دیوان انشاء و چشم‌پوشی از دارایی خود و همنشینی با فقر است: «سال‌ها گذشت و من دارایی خود را به پدرم واگذار کردم، و نمی‌دانم با آن چه کرد. و علیرغم داشتن منصب دولتی، مجالست با فقرا را به همنشینی با بزرگان ترجیح دادم، و عهده‌دار قبور شده و در آن نماز خوانده و خلوت می‌کردم» (همان: ۱۵۵).

در باب مقام توبه نیز خواننده از زبان عربی با این جمله مواجه می‌شود که: «بنده از خدا به خدا روی می‌آورد، و به بیان واضح، از یک اسم الهی به اسم الهی دیگری روی می‌آورد» (همان، ۱۵۳). در مقام نور نیز بنعرفه در «قاف بلا قفا» می‌گوید: «در این شهر مقام نور را از مصطفی به ارث بردم، و این در مسجد ازهر واقع در محله عین الخیل اتفاق افتاد» (همان: ۱۵۲). کاربرد آگاهانه واژه نور در این عبارت دلالت بر وحدت وجود می‌کند، و ناظر بر آیه ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ می‌باشد. مقام صبر، فناء، معراج و توکل از دیگر مقاماتی است که خواننده با مصادیق آن مواجه می‌شود.

۵-۵. از خلوت‌نشینی تا فتح

عرفا و صوفیان با استناد به روایتی از پیامبر (ص) که فرمودند: «من أخلص لله أربعين صباحاً ظهرت ينباع الحكمة من قلبه على لسانه» (رازی، ۱۳۸۰ش: ۲۸۱) خلوت‌نشینی را به عنوان یکی از طرق تهذیب نفس سالک دانسته، و انقطاع از مردم و پرداختن به حق را مقدمه‌ای برای دریافت انوار الهی می‌دانند. بنعرفه خلوت‌نشینی را به عنوان یکی از راه‌های معرفت باطنی و تعالی روحی می‌داند که سالک با تحمل ریاضت انواع مختلفی از ذکر را نیز در آن تجربه می‌کند. او از زبان ابن عربی می‌گوید: «در آغاز، خلوت‌نشینی من کوتاه بود و از چند ساعت فراتر نمی‌رفت... سپس آن را طولانی کرده و یکبار، چهار روز خلوت کردم و در خلال آن فتحی اتفاق افتاد که با قاضی ابو ولید بن رشد مواجه شدم و او هم بدان اقرار نمود» (بنعرفه، ۹۲). بنعرفه داستان دیدار ابن عربی با ابن رشد را این گونه روایت می‌کند که «پدرم مرا نزد او فرستاد تا دستوری قضایی درباره فروش خانه‌ای در قرطبه را به او بدهم. البته این امر بهانه‌ای برای تسهیل دیدار با ابن رشد بود که علاقمند بدان بود. پدرم برای اینکه شأن او حفظ شود و چنین تصور نگردد که او طالب دیدار است اینگونه با او قرار گذاشته بود. آن زمان نوجوانی بیش نبوده و بر

چهره‌ام مویی نروییده بود. چون مرا دید به خاطر تکریم و نیز فتوحاتی که خداوند بر من ارزانی داشته بود، از جایش بلند شد و پرسید: آری؟ گفتم: آری. چون دید منظورش را فهمیدم، خوشحال‌تر شد. وقتی علت خوشحالی او را احساس کردم، گفتم: خیر. حالش دگرگون شد و شک و تردید به او دست داد. آنگاه پرسید: کشف و شهودهای عرفانی را چگونه یافتید؟ آیا همانی است که به اندیشه و نظر خطور می‌کند؟ گفتم: آری - خیر. و بین آری و خیر است که دل‌ها از لانه‌ها، و گردن‌ها از جسم‌های خود پر می‌کشند. رنگ رخسارش زرد شد و به خود لرزید و لا حول گویان نشست و قصد مرا فهمید» (همان: ۷۶-۷۵). این پاسخ ابن عربی نمونه‌ای از فتوحات اوست؛ زیرا او آن زمان خردسال بود و در برخورد با فیلسوف بزرگی همچون ابن رشد، علوم دینی را یاد نگرفته بود، و نمی‌توانست در مقام مناظره و بحث با او باشد.

۶. نمادهای عرفانی در رمان جبل قاف

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمان عرفانی گرایش به زبان نمادین و سمبولیک است. «رمز، عبارت از هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهومی ورای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد» (پورنامداریان، ۱۳۹۱ش: ۴). کاربرت نماد در متون به ویژه متون عرفانی شیوه‌ای برای ابراز تفکرات ذهنی است که به شرح و تبیین نیازمند است. رمان «جبل قاف» سرشار از نمادهای عرفانی است و غالب بخش‌های آن مشتمل بر رمز می‌باشد. از آنجا که کشف نمادها به انتقال مفاهیم و درک بهتر زوایای پنهان آثار ادبی کمک می‌کند، در این بخش به بررسی نمادپردازی در آن می‌پردازیم:

۱-۶. اعداد و حروف

پیرامون دلالت اعداد بر معانی دیگر بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند اعداد بر همان معانی ظاهری خود دلالت دارند و برخی دیگر قائل بر معانی ثانویه هستند (رک: خلف، ۱۴۳۸هـ: ۱۵). اعداد و حروف در اندیشه عرفا به عنوان سمبل و نماد برای بیان برخی حقایق به کار رفته است. آنچه در این سطح بیش از همه به نمادین بودن حروف مدد می‌رساند «ارزش عددی است که برای هر حرف در نظام ابجد لحاظ می‌شود. هر یک از بیست و هشت حرف الفبای عربی، ارزش عددی خود را دارد که این ارزش‌گذاری بر طبق دستور الفبای قدیمی سامی و با هدف شمارش اعداد به منظور تعیین یک تاریخ مشخص انجام می‌گیرد»

(شیمیل، ۱۳۸۱ش: ۲۶). فلسفه اعداد در «جبل قاف» حضور پررنگی دارد و برخی اعداد از جمله چهار، هفت، دوازده و... در جای جای رمان مورد توجه بنعرفه قرار گرفته است. او در وصف «دوات» از زبان راوی داخلی داستان می‌گوید: «اما دوات، از طلای ناب و مربعی شکل بود، و روی هر نمای آن سه قوس نقش بسته، که قوس میانی بزرگ‌تر از کناری‌ها بود. در کف دوات هفت سوراخ تعبیه شده بود که هر کدام به جوهردانی از جنس شیشه و پر از رنگ‌های مختلف منتهی می‌شد. هر یک از نماهای چهارگانه دوات با آیه‌ای از قرآن مزین شده بود. روی نمای اول کلمه ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ و بر روی نمای دوم عبارت برگرفته از قرآن «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْبَحْرِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ» و بر روی سومی آیه ﴿وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ﴾ و نهایتاً روی نمای چهارم آیه ﴿مَا تَقَدَّاتُ كَلِمَاتُ اللَّهِ﴾ نقش بسته بود. همچنین گنبدی از طلای مشبک با لایه‌هایی از تکه‌های رنگی شیشه دارای دستگیره بر روی دوات گماشته شده بود، که برای باز و بسته کردن دوات استفاده می‌شد (بنعرفه، ۲۰۰۲م: ۱۵).

آنچه درباره توصیف دوات و منقش شدن آن به آیات قرآنی گذشت، لایه‌ی ظاهری و بیرونی متن را نشان می‌دهد. اما ژرف‌ساخت متن دایر بر برخی رموز و مفاهیم دینی و عرفانی است، که باعث می‌شود افق‌های تأویلی زیادی بر روی خواننده گشوده شود. بنعرفه با توصیف هنرمندانه دوات از زبان ابن عربی به دنبال اثبات صفت کمال باریتعالی، و اثبات شخصیت انسان در وجود اوست. با تأمل در تصویرپردازی دوات، می‌توان به این فهم رسید که مربعی بودن آن ناظر بر عدد چهار است و «این عدد به طور عمومی بر معانی تمامیت، عدل، اتحاد، یکپارچگی و عقل اشاره دارد» (کوپر، ۱۳۸۶ش: ۲۷) کما اینکه می‌تواند دال بر چهار رکن الهی یعنی اول، آخر، ظاهر و باطن باشد. و از حاصلضرب سه قوس در چهار ضلع یا نمای دوات عدد دوازده به دست می‌آید که اشاره به دوازده اسم الهی (قدیر، قدوس، قیوم، قائم، قریب، قادر، قهار، قاهر، قوی، قدیم، قابض، قائل) می‌کند که با «قاف» شروع می‌شود، و این مقوله بینامتنی زیبایی هم با عنوان رمان دارد. و اما عدد هفت که در تصویرپردازی دوات بدان اشاره شد، نماد دایره‌های هفتگانه ناشی از حرکت «قاف» به دور هسته مرکزی است، و می‌تواند ناظر بر صفات هفت‌گانه ذاتی خداوند باشد. از سوی دیگر همین عدد از یک پشتوانه دینی برخوردار است که دایر بر تفکر آفرینش آسمان‌ها و زمین در هفت روز می‌باشد، و این مقوله خواننده را به اندیشه وحدت وجود و تجلی موجودات در ذات باریتعالی رهنمون می‌سازد.

بنعرفه در «جبل قاف» از علاقه ابن عربی به رموز حروف و اعداد پرده برداشته، و به معادلات عددی گوناگون و تحلیل آن‌ها بر اساس حساب جمل (ابجدی) اشاره می‌کند. در بخش «دال القاف» ابن عربی که در دیوان نویسنده‌گی استخدام شده است، شبی به اتفاق خدمتکار خود (بدر) از درب سرّی کتابخانه به مخزن قاف وارد می‌شود که درب‌های آن با واژگانی از قرآن و اسماء الهی رمزگذاری شده بود: «... سپس وارد زیر زمینی شده و به درب اصلی مخزن رسیدیم. درب بسته بود، و ما راهمان را در پیش گرفتیم و به درب سرّی رسیدیم که اول بار به اتفاق نائب از آن وارد شده بودم. اطراف را پاییدم تا کسی متوجه حضور ما نگردد. چون سرم را بالا گرفتیم، دیدم آیه ۵۸ سوره بقره ﴿وَإِذَا قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سَجْدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ يَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ بالای آن نقش بسته است. خطاب به بدر گفتیم: این آیه، کلید درب خزانه است و باید رمز آن را پیدا کنیم» (بنعرفه، ۲۰۰۲م: ۱۲۷). ابن عربی برای یافتن رمز درب خزانه این چنین استدلال می‌کند که «ترتیب الآیه هو ۵۸ وهو یزید علی العدد ۵۷ الذی هو نصف سور القرآن بواحد فقط. وذلك الواحد ربما یشیر إلى مفتاح النصف الثاني لأنّ مفتاح النصف الأول یرمز للباب الرئیس. وهذا الباب سرّی. والخزانة خزانة القرآن وهي المعبر عنها بالقرية. كما أنّ هذه الآیه من سورة البقرة وهي أول سورة إذا ما أغفلنا الفاتحة. والبقرة سنام القرآن. والسنام جبل الجمّل، فأشبهت هذه السورة الجبل، أي جبل القرآن الذی أريد أن أدخل إليه من بابه البطن كما دخلت من بابه الظاهر» (همان: ۱۲۷). «عدد آیه ۵۸ است و یکی بیشتر از ۵۷ که نصف سوره‌های قرآن می‌باشد. و چه بسا عدد یک، به رمز پنهان نصف دوم قرآن اشاره می‌کند. چون کلید نصف اول، رمز درب اصلی است، و این درب سرّی است. و خزانه، خزانه قرآن است که از آن با واژه «قریه» تعبیر شده است. این آیه از سوره بقره است و اگر از سوره فاتحه چشم‌پوشی کنیم، بقره اولین سوره قرآن خواهد بود. بقره سنام (اوج) قرآن است، و سنام کوهان شتر را گویند. لذا این سوره به کوه تشبیه شده است، یعنی کوه قرآن که می‌خواهم از درب پنهان آن (بقره) وارد شوم کما این که از درب ظاهریش وارد شدم».

۲-۶. گرمابه

بنعرفه در صحفه «ولادة القاف» گرمابه رفتن مادر ابن عربی را سه روز پس از تولد او به تصویر کشیده است: «في اليوم الثالث بعد وضع نور مولودها أخذتها رغبة ملحّة للذهاب إلى الحمام والاعتسال من أعراض الوضع خصوصاً في هذا الشهر المبارك» (همان، ۲۰۰۲م: ۱۵). «در سومین روز پس از وضع حمل،

میل شدیدی به استحمام و شستن آثار زایمان در این ماه مبارک به نور دست داد» نگاه بسیار ساده و سطحی‌نگرانه‌ای است اگر صرف توصیف گرمابه را از این بخش رمان دریافت کنیم. واقعیت این است که گرمابه در اندیشه عرفا و صوفیان نماد پاکی و طهارت از آلاینده‌ها، و تجرید از لباس‌ها و زیورآلات دل‌کنند از علایق دنیوی است که بنعرفه در قالب تمثیلات و تشبیهات بدیعی آن را به تصویر کشیده است. اندیشه ابن عربی در زمینه انسان کامل در توصیف بخشی از گرمابه به شکل زیبایی نمود یافته، و این امر مرهون اشاره به عدد نمادین ۲۸ می‌باشد: «وبین الشرفه وضرتها أقيمت أعمدة زوجية من المرمر عددها ثمان وعشرون على عدد منازل القمر... قمر يعلو وأقمار تجول وتجلو حماماً أكتنفته أبخرة الماء الساخن» (همان، ۲۰۰۲: ۱۷). «بین بالکن و گنبد آن، بیست و هشت ستون دوگانه از جنس مرمر به تعداد منزلگاه‌های ماه برپا شده است.. ماهی بالا می‌آمد و ماه‌هایی جولان داده و گرمابه‌ای را زینت می‌دادند که بخار آب داغ آن را در بر گرفته بود». این توصیفات ناظر بر اندیشه ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه است که ماه را به منزله انسان کامل در نظر گرفته، و می‌گوید: «مراد حق تعالی از ماه (قمر) و حرکت آن لاابد همان عبد کامل است نه جرم ماه، پس ماه از حیث جرم، خود مظهري از مظاهر حق در اسم النور است» (ابن عربی، ۱۴۰۵: ۱/ ۶۱۳). به نظر می‌رسد مراد از منازل بیست و هشت گانه ماه همان منازل عبد کامل است که ماه بر مدار آن می‌چرخد، و کاربرد واژه «قمر» به شکل مفرد ناظر بر انسان مفرد است که سالک راه پر فراز و نشیب سلوک عرفانی است.

۳-۶. رنگ‌ها

رنگ‌ها از زیباترین نمادهای عرفانی در «جبل قاف» هستند. واقعیت این است که «هر رنگ، دارای تمثیلی است خاص خودش و نیز هر رنگ، دارای رابطه‌ای با یکی از احوالات درونی انسان و روح است» (نصر، ۱۳۵۶ش: ۵۶). و بنعرفه با کاربری هنرمندانه، جلوه‌های معنوی و عرفانی خاصی به روایت حوادث بخشیده است. رنگ سفید از رنگ‌های با بسامد بالا در «جبل قاف» است، و در بسیاری از موارد دایر بر پاکی و بی‌آلایشی است، که غالباً در خرقة پدر ابن عربی نمود یافته است: «وجلس بعدما توضأ في مجلسه وارتدى فوقية بيضاء وتحتها قفطان أخضر اللون من القباطي وفي يده سبحة يلهو بها بين الحين والآخر» (بنعرفه: ۸). «همان جایی که نشسته بود وضو گرفت. عبای سفید رنگی بر تن داشت که زیر آن قبای سبز از جنس دیبا پوشیده و در دستش تسبیحی بود که هر از چند گاهی با آن ور میرفت». سفید، رنگ نور و مروارید سفید است و

سبز در اندیشه ابن عربی ناظر بر زمرد سبز است. ابن عربی در باب ۷۳ فتوحات مکیه می‌گوید: «اگر سؤال کنی که زمرد سبز چیست؟ می‌گویم: نفس برخاسته از مروارید سفید است، و اگر بپرسی که مروارید سفید چیست؟ می‌گویم: اندیشه آغازین است» (ابن عربی، ۱۴۰۵هـ: ۹۱) نمادین بودن رنگ سفید را در یکی دیگر از رؤیاهای ابن عربی می‌بینیم که: «ملکی قطعه نور سفیدی همچون نور خورشید را به من داد» (بعره: ۲۶۹). و پیداست که نور سفید در اینجا رمز وحی الهی است که هدف ابن عربی از آن تقرّب به پیامبر (ص) است.

۴-۶. معماری اسلامی و اشکال هندسی

معماری مکان‌های دینی و غیر دینی در این رمان بازتاب معماری اسلامی است، و سردر و نمای بیرونی و درونی بسیاری از آن‌ها مزین به آیات قرآنی و اشعار عرفانی شاعران است (بعره، ۱۰۹). برخی اشکال هندسی از جمله دایره از اشکال مورد علاقه راوی در جبل قاف است، و برخی از اتاق‌های خزانه را نیز به شکل دایره ترسیم کرده است: «بینما نحن ندخل من حجرة إلى أخرى حتى وصلنا إلى غرفة كبيرة مستديرة كتب على جدرانها خمس آيات» (همان: ۱۱۰). دایره در این رمان نماد این است که خزانه قاف در دل هستی جای دارد. ماری هم که به دور کوه قاف پیچیده و به شکل دایره درآمده است دلالت بر حیات سرمدی می‌کند که از تجدد حیات ناشی می‌شود، و این از ویژگی‌های دیدگاه ابن عربی است که ساختار هستی را دایره‌ای می‌پندارد که صدور کثرت از واحد در آن بدون تعارض منطقی حاصل می‌شود.

نتایج

جستار حاضر پس از بررسی رویکرد دینی و نمادگرایی عرفانی در رمان جبل قاف به نتایج ذیل دست یافته است:

- رمان «جبل قاف» از نمونه‌های برتر رمان معاصر عرب است که ماهیت دینی و عرفانی دارد، و این امر از عنوان رمان، شخصیت قهرمان داستان، فضا سازی، زمان و مکان آن پیداست. بینامتنی رمان با بسیاری از آیات قرآن که در راستای ایده مرکزی داستان است، صبغه دینی و عرفانی آن را تقویت نموده است.

- ظهور کرامت‌های صوفیانه و مقامات عارفان در بخش‌های مختلف رمان بر غنای جنبه‌ی عرفانی آن افزوده است. کثرت این دو مقوله فضای عرفانی رمان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

- اعداد از جمله چهار، هفت، دوازده، و... به شکل نمادین به کار رفته و تأویل همه آنها دایر بر اندیشه وحدت وجود و انسان کامل ابن عربی است که راوی با تلفیق خیال و واقعیت به شکل هنرمندانه‌ای آن را روایت کرده است. اشکال هندسی به کار رفته در رمان و در رأس آنها دایره، دایر بر ساختار دایره‌ای هستی در تفکر ابن عربی است.

منابع

أ: عربی

. القرآن الکریم

- بلاوي، رسول؛ ناصر زارع و مينا غانمي اصل عربي (۱۳۹۸)، «سيمائية العنونة ووظائفها الدلالية في ديوان نوبات شعرية لصالح الطائي»، مجلة الجمعية الإيرانية للغة العربية وآدابها، العدد ۵۳، صص ۶۳۸۰.
- خلف، حسن؛ رسول بلاوي (۱۴۳۸)، «الدلالة المجازية للأعداد الأصلية في القرآن الكريم»، مجلة دراسات في العلوم الإنسانية، العدد ۲۳ (۲)، صص ۱۵۲۶.
- إبراهيم، عبدالله (۲۰۱۱)، التخيّل التاريخي: السرد والإمبراطورية، والتجربة الاستعمارية، ط ۱، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.
- ابن عربي، محيي الدين (۱۴۰۵)، الفتوحات المكيّة، تحقيق: عثمان يحيى، چاپ ۲، القاهرة.
- بارت، رولان (۱۹۹۳)، درس السيميولوجيا، ترجمة: عبدالسلام بن عالي، ط ۳، المغرب، الدار البيضاء: دار تويقال.
- درويش علي، محمد (۱۹۹۹)، «قراءة في رواية سابع أيام الخلق»، مجلة آفاق عربية، العدد ۷۸، تموز / آب.
- سنار، ناهضة (۲۰۰۳)، بنية السرد في القصص الصوفي: المكونات والوظائف والتقنيات، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- عبدالإله بنعرفة وآخرون (۲۰۱۴)، جمالية السرد في الرواية العرفانية، ط ۱، بيروت: دار الآداب.
- عبدالله الموسوي، عباس فاضل (۲۰۲۰)، «سيمائية العنوان في الرواية العرفانية: روايات عبدالله بنعرفة نموذجاً» مجلة العميد، العدد ۳۵، صص ۱۳۹-۱۷۴.
- الغيطاني، جمال (۱۹۸۶)، كتاب التجليات، السفر الثالث، القاهرة: دار المستقبل العربي.
- الغيطاني، جمال (لاتا)، «جدلية التناص»، مجلة عيون المقالات المغربية، العدد ۲.
- فتحي، إبراهيم (د.ت)، الخطاب الروائي والخطاب النقدي في مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.

- . فضل، صلاح (۱۹۸۷)، «تکنیک اللحیة المستعارة»، مجلة الأقالام، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة، العدد ۲ .
 . القطّ، بوسلهام، (۲۰۱۵)، السياسة والتصوف آية علاقة وأية عودة؟ ط ۱، القنيطرة: المطبعة السريعة.
 . الورای، عبداللطیف (۲۰۱۵)، «الرواية العرفانية: قضايا النوع، الكتابة و المتخیل»، مجلة ذوات مجلة ثقافية الكترونية
 مؤسسة مؤمنون بلا حدود للدراسات والأبحاث، الرباط، المغرب، العدد ۱۰ .

ب: فارسی

- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۱)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی.
 - جلالی، مهدی؛ فاطمه رضاداد (۱۳۸۶) کوه قاف، اسطوره یا واقعیت؟ (ارزیابی جایگاه کوه قاف در احادیث تفسیری و متون روایی) مجله علوم حدیث، سال ۱۲، شماره ۳ و ۴، صص ۷۴-۵۱.
 - رازی، نجم‌الدین (۱۳۸۰)، مرصاد العباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 - شهبازی، ایرج؛ علی اصغر ارجی (۱۳۸۷)، سبع هشتم (قصه‌های کرامت در متون عرفانی منثور تا قرن هفتم همراه با طرحی برای طبقه‌بندی قصه‌های کرامت) چاپ اول، قزوین: سایه‌گستر.
 - شیخ صدوق، (۱۳۹۵)، کمال‌الدین و تمام النعمة، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
 - شیمیل، آنه ماری (۱۳۸۱)، خوشنویسی اسلامی، چاپ ۱، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی،.
 - کوپر، جی سی (۱۳۸۶)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه: ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
 - نبی، رولف (۱۳۵۶)، ایران پل فیروزه، ترجمه: سید حسین نصرالله و ممظفر بختیار، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.

دراسة النزعة الدينية والرمزية العرفانية في رواية

جبل قاف لعبدالإله بنعرفة

نوع المقالة: أصيلة

جمال طالبي قره‌قشلاقي*

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة فهنگيان، طهران - إيران

الملخص

نحا الروائيون المغاربة منذ بدايات الألفية الثالثة للميلاد منحى جديدا في الرواية بالولوج في ساحة التراث الديني لإبداع هوية جديدة وكسر قيود التقليد من الرواية الغربية، وتمكنوا من التخلص من هيمنة الشكل التراثي بإعادة توظيفه والإفاداة منه وأبدعوا روايات قيمة ذات صبغة عرفانية. تعدّ تجربة عبدالإله بنعرفة فريدة من نوعها لكونه رائداً باستلهامه التراث وتقديم العديد من الأعمال في هذا المجال. رواية جبل قاف تقع في باكورة أعمال بنعرفة وهي من أهم رواياته التي تعني بسيرة محيي الدين ابن عربي قبيل ولادته عام ٥٦١ في مدينة مرسية حتى وفاته عام ٦٣٨ ودفنه على سفح جبل قاسيون بدمشق. هذا البحث درس بمنهجه الوصفي التحليلي النزعة الدينية والرمزية الصوفية في هذه الرواية. ومن أهم ما توصلت إليه الدراسة هو أن رواية جبل قاف تتناص مع الآيات القرآنية والنصوص الدينية والأدبية، وهي تخدم الفكرة الرئيسة للرواية. واستطاع الروائي بأسلوب فني رائع أن يصوّر وحدة الوجود والإنسان الكامل في تفكير محيي الدين ابن عربي و ذلك بتوظيف الأعداد والحروف والألوان وهندسة الأمكنة. إضافة إلى ذلك أعطت الكرامات والمقامات الصوفية طابعاً عرفانياً لأجواء الرواية.

الكلمات الرئيسية: الرواية المعاصرة، العرفان، عبد الإله بنعرفة، رواية جبل قاف.

Analysis of religious approach and mystical symbolism in the novel

"Jabal Qaf" Abd al elah bin Arafa

Article Type: Research

Jamal talebi gharegheshlaghi*

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Farhangian University, tehran, Iran

Abstract

From the beginning of the third millennium AD, Western Arab novelists have set foot in the valley of religious heritage in order to identify contemporary novels and break the chains of imitation of Western literature, and have created valuable mystical works. In the meantime, the experience of Abd el elah Ben arafa is of special importance for being a pioneer, being inspired by religious components, and presenting numerous works in this field. The novel "Jabal Qaf" is the first and one of the most important experiences of mystical storytelling in Arafa, which deals with the biography of Mohiy-al-Din Ibn Arabi shortly before his birth in 561 AH in the city of Murcia until his death and burial in 638 on the slopes of Mount Qasion in Damascus. The present article uses a descriptive-analytical approach to read the religious approach and mystical symbolism in this novel. One of the most important findings of the research is that the novel Jabal Qaf has an attractive intertextual text with the Qur'an and religious narrations and Sufi literary texts, and Qur'anic verses are an integral part of its various parts, and the novelist with an artistic style and combination of fantasy with reality, thought. Ibn Arabi's religion depicts the unity of existence and the perfect man in the symbolic form of numbers, colors, architecture of buildings and geometric shapes. Moreover, the Sufi authorities and the emergence of mystical virtues have given it a special mystical character.

Keywords: Contemporary Story, Mysticism, Abd el elah Ben arefa, Jabal Qaf.